

“بیداران” فرقه افراطیِ مذهب مدنی



وُوکیزم (Wokeism)

هرمز هوشمند

گفته می شود انسان هائی که یکدیگر را از نزدیک نمی شناسند برای همکاری نیاز به ارزشها و دیدگاه های مشترک اخلاقی دارند.

از بدو شکل گیری تمدن بشری حاکمان و قدرتمداران برای برقرای و حفظ هیرارشی قدرت از روایتها، و بزبان مدرن ایدئولوژی استفاده کرده اند. این روایات یا ایدئولوژی ها ساخته ذهن انسان است که واقعیت های فیزیکی و تخیلی را در هم می آمیزد تا ساختار “خوب و بد” شکل دهد، که تبدیل به اخلاق جمعی میشود.



دیوید هیوم، فیلسوف تجربی قرن هجدهم، گفته ای دارد که می تواند در درک رفتار انسان، به ویژه در مواقع بحرانی، مفید باشد. او می گوید: “منطق برده احساسات تند است Reason is the Slave of Passion”. به عبارت دیگر، منطق نه تنها مستقل از احساسات ما نیست، بلکه تابعی از آن است. جدا کردن احساسات از منطق یک مفهوم ساختگی بشر برای درک رفتار انسانهاست. چنین تقسیم بندی پی در نظام طبیعی نیست. مغز ما دارای ساختاری کلی است، که در آن هم عوامل با هم کار می کنند. گزینه ها و نیازهای اساسی

که رفتار انسان اولیه را از زمان پارینه سنگی شکل داده اند، تا کنون تغییر چشمگیری نکرده اند. این درحالی است، که شرایط زیستی انسان ها دائماً در حال تغییر است. رفتار ما در مواجهه با شرایط جدید، به ویژه در مرحله های بحرانی، تفاوت چندانی نکرده است.

افزون بر این، در فرآیند تحول بیولوژیکی (Evolutionary Process) غریزه ها و نیازها نقش برجسته ای در شکل گیری رفتار انسان داشته اند و دارند. یکی از مهمترین رفتارهای بدوی ما "دنباله روی از جمع (herd mentality)" است. مذهب برپایه همین رفتار بدوی شکل گرفته است. کشتن خدا به دست انسان (به گفته فردریک نیچه) در دوران مدرن به این معنا نیست که رفتار مذهبی ما با مفهوم خدا از بین رفته است. در واقع روایتهای متافیزیکی منسوخ، و روایتهای نوینی جایگزین آنها شده اند.

در دنیای امروزی، نقد روایتهای متافیزیکی مذهبهای کهن ازطرف بخشی از مردم، منجر به پدیدار شدن روایتهای مدرن شده است. نتیجه این که رفتار مذهبی انسان ها شکل های تازه یی به خود گرفته اند. یکی از مهمترین روایت های مدرن، که جمعیت زیادی را هم مجذوب خود ساخته، روایت "حقوق بشر" است، که اخلاق انسان مدرن را تا حدود زیادی شکل داده است. چنین روایتی ساخته ذهن انسان با هدف شکل دادن به هیرارشی و مدیریت قدرت اجتماعی در دوران معاصر است. روایتهای مذهبی کهن در دوران گذشته نیز چنین نقش را بازی می کرده اند. امروزه خدا را از آسمان به روی زمین آورده ایم و انسان انتزاعی را مقدس و خدای گونه کرده ایم. اما این به آن معنا نیست که در برخورد با داستان "حقوق بشر" رفتار مذهبی و یا به گفته ای دیگر "دنباله روی از جمع (herd mentality)" را کنار گذاشته ایم.

"حقوق بشر" همچون مذهب های کهن نموده های فرقه یی گوناگونی دارد. برخی برون گرا و پرخاشگر و برخی درون گرا و صلح طلب. فرقه "بیداران (Wokeism)" یکی از جدید ترین فرقه های افراطی و تهاجمی از روایت "حقوق بشر"، و خواهان جهاد برای گسترش ارزشهای اخلاقی اش به تمام جهان است. این فرقه در حال حاضر با جریان "نئو محافظه کار (Neoconservatism)" پیوند خورده و در خدمت "قدرت برتر" در دنیای "غرب" قرار گرفته است. در دوران کلونیالیسم، قدرت سیاسی - نظامی اروپا در پیوند با مسیحیت برای دستیابی به سلطه جهانی بکار گرفته می شد، و امروزه

اتحاد " نئومحافظه کاران و بیداران" این هدف را دنبال می کند.

کریستوفر مات (Christopher Mott) در مقاله ژوئن 2022 "امپراتوری بیداران - 3 "Wock Imperium"، نتیجه گیری های کلی اتحاد " نئومحافظه کاران با بیداران" با ابعاد گوناگون اش در سیاست خارجی ایالات متحد آمریکا را به قرار زیر توضیح داده است:

• برای توجیه مداخله گرایی از طرف مدافعان برتری طلب آمریکا در تشکیلات سیاست خارجی ایالات متحده، از نظر تاریخی آنها بر روایات ویا ایدئولوژی های غالب زمانه تکیه می کنند. فرقه "بیداران"، به هدف های امپریالیستی و هژمونی طلب آمریکا چهره اخلاقی جدیدی میدهد. این فرقه با نشان دادن ایالات متحده به عنوان کلانتر اخلاق بین الملل و نه یک قدرت بزرگ متعارف "نئوامپریالیسم اخلاقی" را نتیجه میگیرد.

• این یک فرآیند با روش سیستماتیک با منطق درونی خود است، نه فرآیندی که توسط یک گروه توطئه گر (cabal) جهانی سازمان داده شده باشد. وقتی منطقهای قدیمیتر برای برتری، هژمونی و مداخله گرایی دیگر پاسخگو یا قانع کننده نیستند، طبقه حاکم به منطق جدیدی نیاز دارد که هنجارهای طبقه حاکم آن دوران را بهتر منعکس کند و به عنوان جایگزین پذیرفته شود. البته هدف اصلی حفظ هیرارشی قدرت موجود است.

• نتیجۀ سیاسی فعالیت فرقه "بیداران" مداخلۀ تهاجمی برای استقرار "عدالت اجتماعی" در گوشه و کنار دنیاست. بروکراسی حاکم بر سیاست خارجی ایالات متحد آمریکا این ایدئولوژی را گسترش داده، و به ویژه از جانب اعضای جامعه دانشگاهی، رسانه ای و طبقه مدیران حرفه ای (professional managerial class) مورد توجه قرار گرفته و به سرعت پذیرفته شده است. این گروه ها هم اکنون سطح بیشتری از همزیستی و همکاری با دولت آمریکا را در بر گرفته اند.

• در این شرایط انتخاب حرفه و پیشرفت موقعیت شغلی در نهادهای قدرت، مستلزم علامت دادن به نخبگان حاکم، در وفاداری به "پروگرسیزم" (جهانشمولی) ایدئولوژی رایج و مورد تأیید حاکمان آمریکا است. این جریان ایدئولوژیک در تداوم سیاست مداخله گرایی تهاجمی ایالات متحده بیشتر از پیش دامن میزند. ترکیب این عوامل سبب تشویق

نهادها و نخبگان جدید در رواج شعارهای مد روز می شود.
 - برآمد این سیاست سلطه طلب جدید با روایت امپریالیسم اخلاقی، در تضاد قرار میگیرد با ارزیابی هوشیارانه و واقع بینانه از منافع ایالات متحده. فرقه "بیداران" با ایجاد اهداف حداکثری، غیرقابل دوام و تخیلی که با واقعیت های ملموس که استراتژی کلان ایالات متحده باید بر آن استوار باشد در تضاد قرارمیگیرد.
 - با ترویج اخلاق گرایی و مهندسی اجتماعی در سطح جهانی، گرایش لیبرال آتلانتیسیست (Liberal-Atlanticist)، پتانسیل زیادی برای ایجاد واکنش منفی در دنیای "غیر غربی" دارد. چنین گرایشی "غرب" را به عنوان یک کل با آرمان های یک نیروی حاشیه ای " پروگرسیزم پست مدرن" شناسایی می کند، و می تواند شکل های جدیدی از ضدیت با "غرب" را در دنیای "غیر غربی" دامن بزند.

همانطور که در مقدمه آمده است، همکاری در جوامع مستلزم وجود روایت مشترک است. بدون چنین روایتی همکاری جمعی امکان پذیر نیست. نباید فراموش کرد، که این روایت ها ساخته و پرداخته ذهن انسان، با هدف مدیریت اجتماعی ست، و نه یک پدیده طبیعی، مطلق و یا مقدس. روایت "حقوق بشر" از جمله روایت هایی است، که تا زمانی که بتواند پاسخگوی مدیریت اجتماعی و حفظ هیرارشی قدرت باشد به حیات خود ادامه می دهد. همانطور که در دوران ماقبل مدرن مذاهب کهنه این نقش را بازی می کردند و بعضا هنوز هم به کار خود ادامه می دهند.

آنچه تنش را در جوامع افزایش میدهد، برداشت افراطی، چه از مذهب های کهن و چه از روایت های مدرن است. فرقه "بیداران" برداشتی افراطی و میلیتانت از روایت "حقوق بشر" است که دردست بخشی از حاکمان ایالات متحده و دنیای "غرب" مسئول ایجاد تنش در جهان برای حفظ نظم جهانی موجود است. این فرقه در حال حاضر با سیاست های "هویتی (Identity Politic)" و عمده کردن "برابر طلبی" خود، اختلافها و درگیری ها در اینجا و آنجا جهان را دامن می زند، تا مبارز طبقاتی و نابرابری اقتصادی، که با هدف های سلطه گرایان[مبارزان قدرت مند جهان "غرب" همخوانی ندارد، را به حاشیه براند.

ما در دوران پسا کلونیال و در گذار از دنیای تک قطبی به دنیای چندقطبی هستیم. اگر استفاده از نیروی نظامی در دوران کلونیال برای کشورهای کلونیال اروپایی نتیجه بخش بود، امروز کارایی خود

را تا حدودی از دست داده است.

در حالی که "غرب" به رهبری آمریکا در اکثر اقدامات نظامی خود پس از فروپاشی شوروی شکست خورده، برای حفظ هژمونی خود در جهان، سعی می کند از دو ابزار دیگر، اقتصادی و اخلاقی، که در اختیار دارد استفاده کند. به همین دلیل است که تحریم های اقتصادی بیش از هر زمان دیگری از سوی کشورهای "غربی" علیه مخالفان خود به کار گرفته میشود.

مهمتر از ابزارهای اقتصادی، ابزارهای اخلاقی است. مهم ترین ابزار اخلاقی، روایت "حقوق بشر" بخصوص سیاست های "هویتی (Identity Politic)" آن است. فرقه "بیداران" نیرویی است که با استفاده افراطی از روایت "حقوق بشر" با اهداف هژمونیک "غرب" در برابر مخالفان خود همسو می شود. آنچه مهم میباشد، تفکیک و نقد استفاده ابزاری و افراطی از روایت "حقوق بشر" توسط نیروهای هژمونیک طلب "غرب" است.

هرمز هوشمند

۲۳ اسفند ۱۴۰۱

۱۴ مارس ۲۰۲۳

لینک ها :

1 - مذهب مدنی

http://www.robertbellah.com/articles_5.htm

<https://www.youtube.com/watch?v=p2WsKuhRcFo>

2 - وُوکیزم

[Wokeism - YouTube](#)

3 - امپراتوری بیداران - Wock Imperium

[Woke Imperium: The Coming Confluence Between Social Justice and Neoconservatism - The Institute for Peace and Diplomacy - l'Institut pour la paix et la diplomatie \(\(peacediplomacy.org](#)